

## علوم سازمانی در زمینه پسا مدرنیسم

### مقدمه:

توافق گسترده ای وجود دارد که، حداقل در جهان غرب، بخش اعظم قرن حاضر تحت سلطه یک آرایه به هم پیوسته از مفاهیم که -واپسگرایانه- میتوان آن را مدرنیست نامید. این مفاهیم، به نوبه خود، به شرایط مختلف تکنیکی- مادی مربوط می شوند، بسیاری از اشکال زندگی نهادی را در محاصره خود می گیرند و طیف وسیعی از شیوه های فرهنگی -به عنوان مثال، در ادبیات، هنر، معماری و صنعت- را تحت تاثیر خود قرار می دهند. تحلیلگران، اغلب با استفاده از واژه های مدرنیته برای تأکید بر ترکیب ویژگی های اقتصادی، تکنولوژیکی و نهادی (گیدنز، ۱۹۹۰؛ جیمسون، ۱۹۸۴) و مدرنیسم برای صحبت در باره الگوبرداریهای فکری و فرهنگی، بر جنبه های مختلف این دوره تمرکز می کنند (لونسون، ۱۹۸۴؛ فراسینا و هریسون، ۱۹۸۲).

در حالی که تا همسانی هم رایی کامل راه دور و درازی باقیست، این نیز به بطور کلی به رسمیت شناخته شده است که این مجموعه های مرتبط از باورهای مدرنیستی به آرامی در حال از دست دادن مفهوم تعیین کننده اعتبار خود هستند.

مرگ